

گرامی باد چهل و پنجمین سالگرد حماسه سیاهکل ستاره سرخ تاریخ سوسیالیسم در ایران

حماسه سیاهکل تنها شکستن سکوت و غرش مسلسل‌ها در فضای رعب و خفقان نبود. سیاهکل برای تاریخ مبارزات مردم ایران پیامی بس بزرگ‌تر داشت. جوهر سازمانگرانه و پاسخ به معضل پراکندگی در ابعادی سراسری از جمله شاخص‌ترین وجوه سیاهکل است. تحلیل مشخص از شرایط مشخص که روش محوری حماسه آفرینان سیاهکل بود شکستن طلسم اختناق را در دستور کار قرار داده بود. درسایه این راهنمای عمل مشخص بود که سیاهکل توانست پتانسیل سازمانگرانه خود را انکشاف دهد و جامعه را از چنگ تاثیرات روانی اختناق آزاد کند. امری که بفاصله ای کوتاه تا سالهای ۵۷ توانست چپ ایران را در ابعادی سراسری به بزرگ‌ترین چپ خاورمیانه بدل سازد. سیاهکل اگرچه نقطه پایانی بر حاکمیت بحث‌های پایان ناپذیر بی عملان بود اما پایان کلام نبود بلکه آغازی نوین بود بر جان کلام، یعنی پراتیک اجتماعی. از این رو قادر بود به کلمات جان تازه ببخشد و به آنی روح ادبیات و هنر را تسخیر کند و در جنبش‌های اجتماعی زمانه خود چشم انداز نوینی در جهت رهائی از ستم و استثمار بگشاید. انفجار امید و عشق را به همه عرصه‌ها تسری دهد و عمل سیاسی را آبرویی دوباره ببخشد. پراتیک سیاسی محافظه کارانه و سوسیالیسم کارگزاران سرمایه را که در آستان طبقه حاکم به در یوزگی افتاده بود طرد کند و عمل انقلابی را تا مرز عشق پرواز دهد. از این زاویه سیاهکل نقد و اثباتی همزمان بود در خدمت سازمانیابی و ایجاد همزیانی و همدلی که خود از عناصر سازمانیابی اند. اگرچه این پتانسیل فراهم آمده به علت ضربات مهلک و فقدان خلاقیت‌های اولیه در درک شرایط جدید در مسیر ایجاد تشکلات کارگری به تمامی استفاده نشد.

اما «هیچ بودگان»، سیاهکل را از آن خود دانستند و فرصتی بود تا زنان، قهرمانی خود را در حمله به تحقیر سیستماتیک جامعه مردسالار اثبات کنند و در منتهای شجاعت پیشتازان جنبش انقلابی برای آزادی و سوسیالیسم باشند. این خیز بلند قادر شد تا روح زندگی، یعنی عمل اجتماعی را در چپ ایران زنده کند و آنرا به فاکتور مهمی در توازن قوای طبقاتی تبدیل نماید. تا جائیکه نمایندگان سرمایه داران نیز ناچار شدند خود را با ماسک «مستضعف پناهی» و پُزصدیت با قدرت‌های حاکم بر جهان آرایش کنند و رسالت واقعی خود را برای در هم شکستن انقلاب و سرکوب چپ و کمونیست‌ها از توده‌ها پنهان نمایند و هنوز هم از این معضل خلاص نشده‌اند. درست همین پتانسیل انقلابی و سوسیالیستی در جوهر سیاهکل است که هنوز هم سرمایه داری از ترکش‌های این بذر افشانی بزرگ، می‌هراسد و بورژوازی ایران و رسانه‌های مربوطه‌اش دمی از بدنام کردن هر آن کس و هر آن چیز در رابطه با سیاهکل غافل نمی‌شوند. به مطبوعاتشان نگاه کنید! حمله به فدایی و قهرمانان جنبش کمونیستی مشغله روزمره‌شان است. بر اینکه آن‌ها نخستین پژوهشگران جان برکفی بودند که جامعه ایران را سرمایه داری و رسالت بورژوازی ملی را سپری شده ارزیابی کردند و این دستاورد تحقیقات و تحلیل مشخص آن‌ها از شرایط مشخص بود، قلم می‌گیرند و چهره فدائیان را فقط با اسلحه و تسخیر پاسگاه سیاهکل و مصادره بانک‌ها ترسیم می‌کنند. امنیتی‌ها کتاب نویس می‌شوند و قلم بمزد ها «مهرنامه» در میاورند و رسانه‌هایشان توپان و محافظه کارانی را که سیاهکل با پس زدنشان بالیده بود، بعنوان منتقد برای لجن پراکنی روی آنتن می‌برند. یقیناً هر خیز موفق انقلابی همزمان این ظرفیت و خطر را با خود دارد که آستان بوسان قدرت حاکم نیز بر آن طمع کنند و خود را همراه آن نشان دهند، گروهی که در تند پیچ حوادث به ریشه‌های خویش بازگشتند و در یوزگی طبقه و قدرت حاکم را از سر گرفتند. طنز غم انگیزی بود که اینبار آستان بوسی قدرت را با نام فدایی و سیاهکل پیش می‌برند، چیزی که سیاهکل اساساً باطردش حیات یافته بود. این علاوه بر نابسندگی‌های نظری از جمله دلایلی است که سیاهکل نتوانست تمامی گرده افشانی‌هایش را برای حاکمیت کارگران و زحمتکش‌ها که هدف غایی‌اش بود، به سرانجام رساند و زمان مناسب برای چرخش بسوی سازمانیابی کارگران را که زمینه‌اش دیگر فراهم بود از دست بدهد. با این حال شکنجه گاه‌ها و زندان‌های جمهوری اسلامی شاهد ادامه مبارزه و جسارت و قهرمانی‌های پیروان راستین سیاهکل بودند. اگر میراث سیاهکل را رادیکالیسم سازش ناپذیر و تطابق حرف با عمل و صداقت تا پای جان در مبارزه برعلیه ستم، استثمار و زور و سرکوب بدانیم، در هیچ دورانی بالاخص در شرایط بحران‌های کنونی این آموزه‌ها برای کمونیست‌ها تعطیل بردار نیستند. پراکندگی گسترده و تشتت ایدئولوژیک در میان نیروهای چپ و کمونیست نیاز به سازمانیابی را دوباره در دستور کار قرار داده است و سیاهکل دوران ما آن خیز بلندی است که بتواند بسوی تسهیل سازمانیابی و اشاعه آموزه‌های رادیکال سیاهکل گام بردارد. هر دوران تیره ای به سیاهکل خویش نیازمند است. اگرچه شکل سیاهکل و آنگونه که اتفاق افتاد هرگز قابل تقلید نباشد، اما جوهر انقلابی حماسه سیاهکل در هر دوران تیره یافتن راه برون رفت از بن بست‌های اختناق و سازمانیابی است. راهی که در این برهه زمانی با

تلاشی بی وقفه و مداوم جهت سازمانیابی طبقه کارگر در پرتو عمل به اندیشه‌های سوسیالیستی
متحقق خواهد شد

یاد آغازگران دلیر سیاهکل و هزاران زن و مرد فدایی که شجاعانه در راه آزادی و سوسیالیسم، این مبارزه
را با نثار جان خود تداوم بخشیدند، جاودان باد.

سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی

زنده باد آزادی زنده باد سوسیالیسم

سازمان اتحاد فدائیان کمونیست (واحد سوئد)

فعالین سازمان فدائیان (اقلیت) - سوئد

هسته اقلیت (واحد سوئد)

دی‌ماه ۱۳۹۴

**بزرگداشت حماسه سیاهکل: شنبه ۶ فوریه ۲۰۱۶. سالن اجتماعات هوسبی تَرَف -
استکهلم (سوئد)**